گفت‌وگوی «جوان» با یکی از راویان دفاع مقدس

چرا عملیات‌های بزرگ دفاع مقدس در زمستان انجام می‌شد؟

■ غلامحسین بهبودی

عملیات کربلای ۵ به عنوان بزرگ‌ترین و سخت‌ترین عملیات دفاع مقدس، در دی ماه انجام گرفت. سال قبل از آن والفجر ۸ نیز در فصل زمستان صورت گرفته بود. گویی اغلب عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز دفاع مقدس شب‌های سرد زمستان را برای انجام خود انتخاب می‌کردند. چرایی این مسئله و همین طور مروری بر انجام عملیات‌های بزرگ دفاع مقدس موضوع گفت‌وگوی ما با محمود محمودی از رزمندگان اصفهانی دفاع مقدس را شامل می‌شود. محمودی پس از اتمام جنگ تحمیلی به عنوان راوی در کاروان‌های راهیان نور و مدارس و دانشگاه‌ها فعالیت می‌کند.

در کل چه تعداد از عملیات‌های بزرگ دفاع مقدس در فصول گرم یا سرد سال انجام گرفتند؟

جنگ در آخرین روز از تابستان سال ۵۹ به کشورمان تحمیل شد. تا جبهه خودی بخواهد خودش را پیدا کند، به فصل زمستان رسیده بودیم. اولین عملیات بزرگ کشورمان که به قصد بیرون راندن دشمن از متصرفاتش انجام گرفت، عملیات «نصر» بود. در این عملیات که از ۱۵ تا ۱۸ دی ماه ۵۹ شکل گرفت، موفقیت زیادی به دست نیامد و نهایتاً منجر به شهادت حسین علم‌الهدی و دانشجویان پیرو خط امام و همین طور تعدادی از رزمندگان سپاهی و ارتشی شد. کمی بعد نیز عملیات «توکل» انجام گرفت که آن هم موفقیت‌آمیز نبود. اما نباید اینها را جزو عملیات زمستانی بدانیم. یعنی قصد و عمدی در برگزاری این عملیات‌ها در فصل زمستان نبود، بلکه تا جبهه خودی بخواهد خودش را پیدا کند، ما به فصل زمستان رسیده بودیم و به این ترتیب هر دوی این عملیات بزرگ در فصل زمستان انجام گرفتند.

منظور شما از عملیات زمستانی چیست؟

عملیات زمستانی را بنده مترادف با عملیات بزرگ سالانه می‌دانم. از عملیات خیبر به بعد رزمندگان هر سال یک عملیات بزرگ و آن هم در فصل زمستان انجام می‌دادند؛ خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۴، ۵ و والفجر ۱۰، اینها عملیات بزرگ سالانه هستند. نه اینکه در خلال سال جبهه‌ها بی‌تحرک باشد، اما طی سال عملیات محدود و متوسط انجام می‌گرفت ولی آن عملیات بزرگی که می‌توانست سرنوشت جنگ را تعیین کند، هر سال یک‌بار و آن هم در فصل زمستان انجام می‌شد که اسم این عملیات‌ها را ذکر کردم.

چطور شد فرماندهان تصمیم گرفتند هر سال یک عملیات بزرگ انجام دهند؟

بعد از رفتن بنی‌صدر، نیروهای مردمی و انقلابی مثل سپاه پاسداران فرصت پیدا کردند تا در جبهه‌ها به صورت فعال‌تری حضور پیدا کنند. بنی‌صدر ۳۱ خرداد سال ۶۰ برکنار شد. با رفتن او، رزمندگان عملیات «فرمانده کل قوا خمینی روح خدا» را انجام دادند. البته این عملیات چند روز قبل از رأی عدم کفایت سیاسی نماینده‌های مجلس به بنی‌صدر بود. چند روز قبل از آن، وقتی امام خمینی(ره)، رئیس‌جمهور وقت را از فرماندهی کل قوا عزل کرد، عملیات فرمانده کل قوا خمینی روح خدا انجام گرفت. به هر روی با رفتن بنی‌صدر، اتحاد بین سپاه و ارتش منجر به انجام عملیات ثامن‌الائمه(ع) در مهرماه سال ۶۰ شد. طی آن آبادان از محاصره دشمن رهایی پیدا کرد. در این زمان استراتژی خودی بر این باور استوار بود که نباید به دشمن فرصت داده شود بیشتر در خاک کشورمان حضور پیدا کند. بنابراین دو ماه پس از شکست حصر آبادان، عملیات طریق‌القدس در آذرماه ۱۳۶۰ انجام گرفت. بعد که دشمن فشار آورد تا تنگه چزابه را از ما پس بگیرد، تداوم این عملیات به نوعی به سال نو جدید یعنی سال ۱۳۶۱ کشیده شد. در فروردین همین سال عملیات فتح‌المبین و سپس الی‌بیت‌المقدس در اردیبهشت و خرداد ۶۱ انجام گرفتند. این‌طور که می‌بینیم تا این زمان قصد خاصی برای انجام عملیات در یک فصل خاص وجود نداشت. شرایط جبهه‌ها هر دو طرف درگیری را به اتخاذ تصمیم‌های سریع و قاطع می‌کشاند.

اما در عملیات رمضان نوار پیروزی‌ها برای مدتی قطع شد و از سرعت عملیات خودی کاست، درست است؟

بله، اینطور است. رمضان یک نقطه عطف بود. در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۱ و اوج گرمای جنوب کشور انجام شد. با عدم‌الفتح هم روبه‌رو بود و کارشناسان و فرماندهان یکی از دلایل عدم موفقیت آن را انجامش در بحبوحه گرمای خوزستان می‌دانستند. تجربه رمضان بعدها باعث شد تا دیگر عملیات بزرگی در فصل تابستان انجام نگیرد. اگر می‌بینیم بعدها عملیات کربلای یک یا همان آزادسازی مهران در فصل تابستان انجام گرفت، به دلیل هجوم دشمن به این شهر و تصرف مجدد آن بود که باعث شد امام خمینی فرمان تاریخی مهران باید آزاد شود را صادر کنند؛ این مسئله در کنار کری‌خوانی‌هایی که صدام می‌کرد، باعث شد رزمندگان یک عملیات سریع و قاطع را در تابستان سال ۶۵ طراحی و اجرا و مهران را آزاد کنند. عملیات دیگر بیت‌المقدس ۷ اواخر خرداد سال ۶۷ انجام گرفت که آن هم به دلیل تک بزرگ دشمن در منطقه شلمچه بود. ما بیت‌المقدس ۷ را انجام دادیم چون دستاورد خون حدود ۸ هزار شهید کربلای ۵ را در خطر می‌دیدیم. وگرنه این عملیات را در اوج گرمای اواخر بهار و اوایل تابستان ۶۷ انجام نمی‌دادیم. اتفاقاً یکی از دلایل عدم الفتح بیت‌المقدس ۷ هم همین گرمای طاقت‌فرسا بود طوری که رزمنده‌ها به آن عملیات عطش می‌گفتند.

پس انجام عملیات رمضان در فصل تابستان هم بر اساس اقتضای زمان بود؟

بله، بعد از فتح خرمشهر قرار شد استراتژی تعقیب و تنبیه متجاوز اتخاذ شود. گفته می‌شد در فتح خرمشهر دشمن عمده توانش را از دست داده و نباید به او فرصت بازسازی داده شود. بعدها هم یکی از دلایل عدم الفتح رمضان را فاصله حدوداً یک ماه و ۲۰ روزه آن با فتح خرمشهر می‌دانستند. از طرف دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به ورود ایران به خاک عراق مرتب هشدار می‌دادند و تعلل در آن زمان جایز نبود. بنابراین رمضان در فصل تابستان انجام گرفت.

بعد از رمضان تا عملیات خیبر بیش از یک‌سال فاصله بود، چطور شد فرماندهان بعد از این مدت نسبتاً طولانی تصمیم گرفتند هر سال یک عملیات بزرگ سالانه انجام دهند؟

بعد از عدم‌الفتح رمضان، دشمن روحیه شکست خورده خودش بعد از خرمشهر را بازسازی کرد. تبلیغات زیادی هم علیه جبهه خودی راه انداخت. روی زمین به نوعی جبهه‌ها قفل شده بود. ما باید این وضعیت را که به لحاظ روانی ضربات زیادی به جبهه خودی وارد می‌کرد تغییر می‌دادیم. بنابراین فرماندهان تصمیم گرفتند با عملیات متوسطی مثل مسلم بن عقیل و محرم، خواب راحت را از دشمن سلب کنند. عملیات مسلم در مهر ۶۱ و محرم در آبان همین سال انجام گرفتند. بعد در فصل زمستان عملیات بزرگ والفجر مقدماتی انجام گرفت که با عدم الفتح روبه‌رو شد. چند ماه بعد در بهار سال ۶۲ عملیات والفجر یک صورت گرفت. آن هم موفقیت‌آمیز نبود. با احتساب عملیات رمضان و دو عملیات والفجر مقدماتی و یک، ما سه عملیات بزرگ برون مرزی در فاصله چند ماه از هم انجام داده بودیم که موفقیت‌آمیز نبودند. طولانی شدن جنگ و عدم موفقیت عملیات بزرگ، فرماندهان را به این نتیجه رساند که باید برای تجمیع نیرو و مهمات فاصله انجام عملیات بزرگ را بیشتر کنند. از طرفی در فرصت به دست آمده می‌شد با شناسایی‌های دقیق و گسترده‌تر و اطلاعات بیشتر شانس موفقیت در عملیات را بالاتر برد. چنانچه برای عملیات خیبر شش ماه زمان صرف شناسایی‌های وسیع در منطقه هورالعظیم شد. حتی دو نفر از نیروهای شناسایی قرارگاه سری نصرت توانستند به عتبات عالیات بروند و زیارت کنند. به این ترتیب عملیات خیبر در اسفند سال ۶۳ انجام گرفت و سنگ بنای عملیات بزرگ سالانه کشورمان تا پایان دفاع مقدس را گذاشت.

بعد از خیبر هر سال ما یک عملیات بزرگ را در فصل زمستان انجام می‌دادیم، چرا فصل زمستان برای این عملیات بزرگ سالانه انتخاب می‌شد؟

تجربه جنگیدن در گرمای جنوب را که قبلاً عرض کردم. اما یک دلیل مشخص برای انجام عملیات بزرگ در فصل زمستان، بهره‌گیری از شب‌های طولانی این فصل بود. شکل جنگیدن ما در برابر دشمنی که از ادوات و نیروی زرهی قوی‌تری بهره می‌برد غیرکلاسیک بود. اگر ما می‌خواستیم طبق اصول رایج نظامی به دشمن حمله کنیم باید با لشکرهای زرهی و نیروهایی به مراتب بیشتر از مدافعان به خطوطش حمله می‌کردیم، اما ما چنین نیروی زرهی در اختیار نداشتیم. لذا از تاریکی شب‌ها برای یورش به خطوط دشمن بهره می‌بردیم. شب‌های زمستان طولانی‌تر بود و در دل این تاریکی، نیروهای خودی خط دشمن را می‌شکستند و تا طلوع آفتاب که واحدهای زرهی دشمن برای بازپس‌گیری خطوط از دست رفته وارد عمل می‌شدند، جایگاه خودشان را مستحکم‌تر می‌کردند. اصطلاح سنگرسازان بی‌سنگر که به نیروهای جهاد داده می‌شد، همین جا معنی پیدا می‌کرد. بعد از شکستن خطوط دشمن در تاریکی، با روشنایی هوا سر و کله تانک‌هایشان پیدا می‌شد، اینجا نقش بچه‌های جهاد در ساخت خاکریزها خودش را نشان می‌داد. خلاصه اینکه زمستان‌ها روزها کوتاه بود و دست دشمن از استفاده از ادواتش در طول روز کوتاه‌تر می‌شد. ما هم شب‌ها فرصت بیشتری برای تداوم کار داشتیم. شرایط آب و هوایی هم در استان گرم‌خیز خوزستان در فصل زمستان مناسب‌تر بود.

> شب‌های زمستان طولانی‌تر بود و در دل این تاریکی، نیروهای خودی خط دشمن را می‌شکستند و تا طلوع آفتاب که واحدهای زرهی دشمن برای بازپس‌گیری خطوط از دست رفته وارد عمل می‌شدند، جایگاه خودشان را مستحکم‌تر می‌کردند. اصطلاح سنگرسازان بی‌سنگر که به نیروهای جهاد داده می‌شد، همین جا معنی پیدا می‌کرد

دی ماه یادآور انجام عملیات کربلای ۵ است، شاید بتوانیم این عملیات را موفق‌ترین عملیات دفاع مقدس بدانیم. نظر شما چیست؟

به نظر من هم کربلای ۵ و هم والفجر ۸ دو عملیاتی بودند که همدیگر را تکمیل کردند. در والفجر ۸ که بهمن ماه سال ۶۴ انجام گرفت، بعد از مدت‌ها ناکامی، جبهه خودی توانست قفل ورود به خاک دشمن را بشکند. البته در عملیات خیبر جزایر مجنون تصرف شده بود، ولی تصرف شبه جزیره فاو که دروازه ورود عراق به خلیج فارس بود، ضربه سنگینی به دشمن وارد کرد. بنابراین ۷۰ شبانه‌روز تلاش کرد تا ما را از فاو بیرون بیندازد و نتوانست. سال بعد هم کربلای ۴ می‌خواست متصرفات فاو را تکمیل کند که نشد. بعد بلافاصله کربلای ۵ شروع شد. هرچند ما به بصره دسترسی پیدا نکردیم، اما دومین شکست بزرگ دشمن را به فاصله یک‌سال رقم زدیم و تا دروازه‌های بصره پیش رفتیم. بعد از والفجر ۸ شورای امنیت قطعنامه ۵۸۲ را صادر کرد که تا حدی نشان از نرمش قدرت‌های بزرگ در برابر شروط بحق کشورمان می‌داد. اما وقتی کربلای ۵ در زمستان سال ۶۵ انجام گرفت، دیگر جای بحثی باقی نگذاشت و شورای امنیت با صدور قطعنامه ۵۹۸ نشان داد تا چه میزان از پیروزی‌های پی در پی ایران نگران است و می‌خواهد به هر ترتیب، جنگ را به اتمام برساند.

گفت‌وگو

خاطره‌ای از عملیات کربلای ۵

در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان حاضر در این عملیات

ضیافت منورها روی دریاچه ماهی!

■ علیرضا محمدی

خیلی از ما در مرور خاطرات دفاع مقدس، کمتر توجهی به شرایط جوی مانند سرما و گرمای هوا داریم. به گفته رضا کاظمی غواص و رزمنده گروهان نصر از گردان حضرت علی اکبر(ع) لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) «در عملیات کربلای ۵ وقتی وارد آب‌های سرد دریاچه ماهی شدیم، سرمایی را تجربه کردیم که به عمرم ندیده بودم.» متن زیر خاطره این غواص عملیات کربلای ۵ است که تقدیم حضورتان می‌کنیم.

■ **آبی- خاکی‌ها**

در عملیات کربلای ۴ من رزمنده گروهان فتح بودم. گروهان فتح یک گروهان آبی- خاکی بود. اگر بخواهم برای خوانندگان شما شکل و شمایل بچه‌های آبی- خاکی را در مقابل بچه‌های غواص تشریح کنم، ما آبی- خاکی‌ها معمولاً ناو ژاک تنمان می‌کردیم و با قایق به خطوط دشمن می‌زدیم، در حالی که غواص‌ها لباس‌های یکدست مشکی معروفشان را به تن می‌کردند. در عملیات کربلای ۴ به دلیل لو رفتن آن، فرصت برای ورود گروهان ما به معرکه درگیری فراهم نشد.

■ **روزی که غواص شدم**

بعد از اتمام کربلای ۴، فرماندهان تصمیم گرفتند عملیات کربلای ۵ را انجام دهند. حدود دو هفته بین دو عملیات فاصله بود. در همین مدت کم چون بعضی از غواص‌های ما در کربلای ۴ لطمه دیده بودند، از ما خواستند جای آنها را بگیریم. من از نوجوانی شناگر ماهری بودم. داوطلب شدم و به گروهان نصر که گروهان غواصی بود منتقل شدم. گردان حضرت علی اکبر(ع) سه گروهان داشت؛ نصر، فجر و فتح. من ۱۰ روزی رزمنده گروهان نصر شدم و به صورت فشرده، آموزش‌های غواصی را در یکی از آبگرفتگی‌های اطراف اهواز پشت سر گذاشتم.

> ما فین غواصی نداشتیم. پوتین به پا داشتیم. شلوار غواصی را زیر پوتین محکم بسته بودیم، اما از همان مچ پا، آب کم‌کم وارد شد. هر جای بدنم که آب می‌رسید، انگار آن بخش از بدنم را از من می‌گرفتند!

■ **سرمای استخوان‌شکن**

شب عملیات کربلای ۵، ما وارد دریاچه ماهی شدیم. دشمن این دریاچه مصنوعی را برای پرورش ماهی درست کرده بود اما عراقی‌ها برای اینکه نیروهای ما به آنها حمله نکنند، کل منطقه شلمچه را آب انداخته بودند. دریاچه ماهی عمق زیادی نداشت. در بیشتر مسیر پایمان به کف دریاچه می‌خورد و سرمان بیرون بود. شاید در چند ده متر تنها بخش کوچکی را مجبور به شنا شدیم. اما چیزی که می‌خواهم اینجا به آن اشاره کنم، سرمای وحشتناک آب دریاچه ماهی بود. در آموزشی به ما گفته بودند وقتی وارد آب شدید، یک لایه آب به داخل لباس غواصی شما می‌آید. این آب در تماس با بدن شما گرم و باعث می‌شود سرمای محیط را کمتر احساس کنید. ما فین غواصی نداشتیم. پوتین به پا داشتیم. شلوار غواصی را زیر پوتین محکم بسته بودیم، اما از همان مچ پا، آب کم‌کم وارد شد. هر جای بدنم که آب می‌رسید، انگار آن بخش از بدنم را از من می‌گرفتند! اول مچ پایم کاملاً حالت سِر شدنی پیدا کرد. سرما همراه جریان آب، از مچ پا شروع کرد و بالاتر آمد. ساق پا و زانوهایم کاملاً یخ زدند. آب بالا و بالاتر آمد و همه جای بدنم را گرفت. منتظر ماندم تا بلکه طبق گفته‌های قبلی، گرمای تنم آب را گرم کند، اما این اتفاق نیفتاد. صدای قرچ قرچ دندان‌هایم را می‌شنیدم که چطور از زور سرما به همدیگر می‌خوردند.

■ **توفان منورها**

دریاچه ماهی یک‌سری دیوارهایی داشت که وسط دریاچه مثل جزیره‌ای طویل قد علم کرده بودند. ما باید برای ادامه مسیر روی این دیوارها می‌رفتیم و سریع به آن طرف سُر می‌خوردیم. نفرات جلویی با عبور از این دیوارها باعث شده بودند سطحش لیز شود. نفر جلویی من چند بار بالا رفت و سر خورد و دوباره مجدداً رفت و عاقبت توانست بالا برود. من هم به هر زحمتی بود از دیوار عبور کردم اما به محض رسیدن به وسط‌های دریاچه، ناگهان زمین و زمان به‌هم ریخت. هواپیماهای دشمن از راه رسیدند و هر کدام ۵۰-۴۰ منور همزمان روی آب ریختند.

تیربارهای دشمن در یک آن تمام سطح آب را شخم زدند. عجیب بود که تیرهای رسام با برخورد به سطح آب، کمانه می‌کردند و به هوا می‌رفتند! توپ‌های فرانسوی هر کجا می‌خوردند، به شعاع ۱۰ متر را پوشش می‌دادند و ترکش‌هایشان تلفات زیادی می‌گرفت. این صحنه‌ها هنوز بعد از گذشت ۳۴ سال، مثل فیلم جلوی چشم‌هایم است. خیلی از همرزمانم در همان لحظات اول شهید شدند. علی آملی فرمانده شجاع گروهان ما در همان لحظات اول شهید شد. دوستانم یک به یک مقابل چشم‌هایم پرپر می‌شدند و من هم از این ضیافت گلوله و ترکش و آتش بی‌نصیب نماندم و مجروح شدم. هرچند مجروحیت من مقابل زخم بچه‌های خودی چیزی نبود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۱۲۵

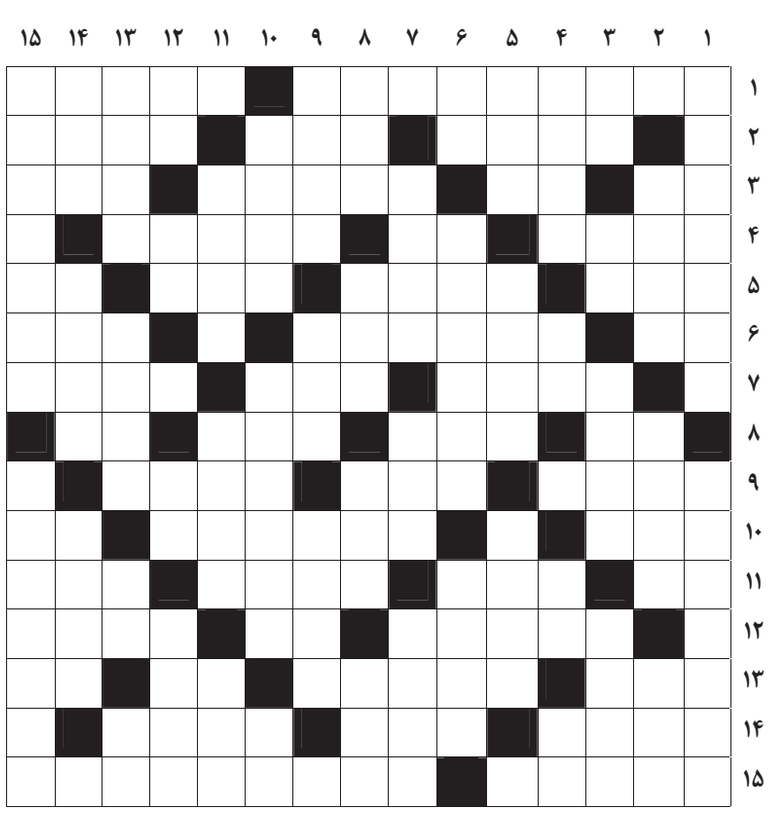

از راست به چپ

■ ۱- پایتخت همسایه شرقی- دستگاه تولید آبجوش در کارخانه‌های بزرگ ■ ۲- لقب حضرت مریم و فاطمه زهرا(س)- فرمانده- لاغر و ضعیف ■ ۳- عید ویتنامی‌ها- درخت انگور- اولین مدافع آن حضرت زهرا(س) بودند- قایق تفریحی ■ ۴- پایتخت غنا- نت میانی- نوعی برادر و خواهر ■ ۵- تکه پارچه کهنه- کشنده- سوره مورچه- آش ■ ۶- شگرد- ورم غدد بناگوش- پوست دباغی شده حیوانات ■ ۷- فرزندش از حکمای بنام کشورمان بود- بی‌حال و خسته- رنگ صلح ■ ۸- ضمیر انگلیسی- نام پرنده‌ای است- جمله قرآنی- پهلوان ■ ۹- یک‌چهارم من- یک آذری- مخزن اسرار ■ ۱۰- مقابل امر- بندری در گیلان- عرب گوید بگو ■ ۱۱- ماه سرد- قدرت و توان- خالق ارژنگ- خالص ۱۲- کارآموز پزشکی- کافی- کامل و همه ■ ۱۳- ابرقدرت آسیایی- بهتر از حرام و بدتر از حلال- نفس خسته- یادداشت ■ ۱۴- پل راه آهن شمال- خانه زمستانی- اولین خط مسلمانان ■ ۱۵- فاقد آرامش و امنیت- کهنسالی

از بالا به پایین

■ ۱- لقبی که شیعیان به مجتهدان و علمای بزرگ دین می‌دهند- کمیت و کیفیت ■ ۲- نام مادر حضرت رضا(ع)- از سبزی‌های خوردنی- چین و شکن ■ ۳- عضوی در صورت- راه شاعرانه- جزیره‌ای در جنوب- خبرگزاری ایتالیا ■ ۴- آتش ایرانیان باستان- حرف خطاب- کنسرو ماهی- اندک ■ ۵- میوه مناطق گرمسیر- همدم- سوگ و عزا ۶- سرخ کمرنگ- از شاهان کیانی و پدر گشتاسب- افزونی و فراوانی ■ ۷- استاندار- مرزبان- مادر حضرت امام زمان(عج) ■ ۸- شهر هزار سنگر- بخیه درشت- درس کشیدنی- پشت سر ■ ۹- قاضی و از نام‌های خدا – در سی و هشتمین آیه این سوره خداوند می‌فرماید آنان که به ریا اموال خود را به دیگران می‌بخشند و به روز قیامت ایمان ندارند یاران شیطانند- وسیله‌ای در آشپزخانه ■ ۱۰- سرسبزی- پروانه و جواز- کاشف میکروب سل ■ ۱۱- باقی‌مانده حساب- گل شب بو- وسنی ■ ۱۲- خودروی کاروان- برج کج- رمق آخر- نفرت داشتن ■ ۱۳- پیامبری که در کودکی به نبوت رسید- پارچه‌ای که سمبل دفاع از ارزش‌ها و ایمان شده است- زهر- سلطه و نفوذ ■ ۱۴- همسر حضرت یعقوب- الفبای نابینایان- مآخذ اساسی هر گونه تفکر اسلامی ■ ۱۵- ایاب و ذهاب- اندازه‌گیری از راه دور

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۵	۸		۶	۷		
	۶	۸	۲					
								۴
			۴		۷			
						۸		۵
۱	۲							
				۲			۱	
۸	۹			۶			۷	
		۶		۳				

جدول کلمات متقاطع
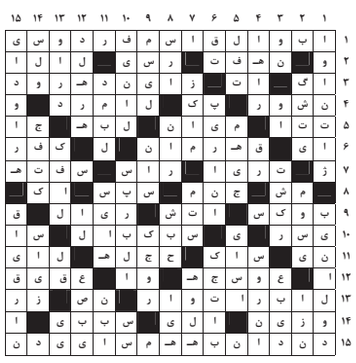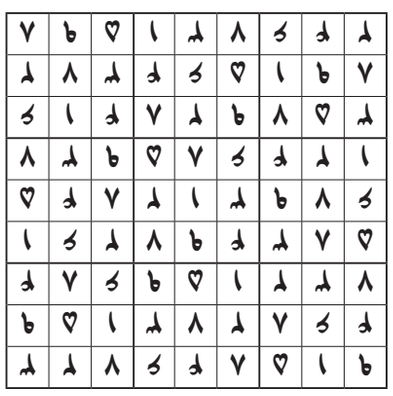
پاسخ جدول شماره ۶۱۲۴